

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارش ها

سهیلا دهماسی

گزارشی از راه پیمائی "اتحاد زنان آزادیخواه" در شهر رتردام (هلند) به مناسبت روز جهانی زن

در روز یکشنبه ۷ مارس ۲۰۱۰، چند گروه مختلف ایرانی و غیر ایرانی یک راه پیمائی را به مناسبت روز جهانی زن تدارک دیده بودند که "اتحاد زنان آزادیخواه" نیز یکی از تشکل هائی بود که برای شرکت در این تظاهرات فراخوان داده بود. به همین دلیل من نیز با تعدادی از رفقاء برای شرکت در این حرکت به رتردام رفتیم. متأسفانه بنا به دلایلی ما به موقع به محل تظاهرات نرسیدیم و از تظاهرات عقب افتادیم. با این حال امکان یافتیم که با تعداد دیگری از کسانی که مانند ما دیر رسیده بودند خود به راه پیمائی پرداخته و در بخش کوتاهی از مسیر تعیین شده، با حمل بنرهایمان به سمت نقطه پایانی راه پیمائی حرکت کردیم.

چندین نفر از دوستان و رفقای خوبی که در مراسم روز قبل (مراسمی که در روز شنبه ۶ مارس در محل "میز کتاب" آمستردام برگزار شد) برای اولین بار با آن ها آشنا شده بودیم، هم زمان با ما به آن جا رسیدند. ما در آغاز حرکت، حدود نیم ساعت در پیاده روی یکی از خیابان های مسیر راه پیمائی ایستادیم و بنرهایمان را جلوی نرده های پیاده رو به نمایش گذاشتیم. بر روی این بنرها عکس هائی از مبارزات توده ای اخیر و شعارهائی علیه رژیم جمهوری اسلامی (به زبان فارسی و انگلیسی) چاپ شده بود. در این فاصله اطلاعیه انگلیسی تشکل "اتحاد زنان آزادیخواه" را نیز در میان رهگذران پخش کردیم.

با این که حدود ۲۰ نفر بودیم، اما توجه عابریں به ما جلب میشد و آن ها با کنجکاوی به عکس های روی بنرها نگاه میکردند. دیدن حس حمایت در نگاه و لبخند عابریں در شرایطی که اخبار مربوط به جنبش توده ای اخیر مردم ایران در سراسر دنیا منتشر شده، دور از انتظار نبود.

در طول مسیر راه پیمائی با دوستان و رفقای جدیدمان که از گروه ها و سازمان های مختلف سیاسی بودند، در رابطه با وضعیت سیاسی- اجتماعی زنان و به ویژه زنان هلند و کارگران زن در هلند صحبت کردیم و آن ها اطلاعات بسیار جالبی را در اختیار ما گذاشتند. یکی از رفقاء خاطرات جالبی را از برخی از فعالیت های نیروهای چپ که در طول ۲۰ سال گذشته علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در هلند انجام شده، بازگو میکرد. از جمله

از حمله چند سال پیش نیرو های انقلابی به سفارت جمهوری اسلامی و تأثیرات این حرکت در صفوف اپوزیسیون صحبت کرد.

مرد جوانی که از فعالین سیاسی غیر ایرانی (مقیم هلند) و زاده یکی از کشورهای آفریقائی بود ، با مهربانی سؤال کرد که آیا بنر سنگین است؟ آیا به کمک او برای حمل بنر احتیاجی هست؟ از مهربانی او تشکر کردم و شروع به صحبت با وی به زبان انگلیسی در مورد شرایط ایران کردیم. او در مورد دیدگاه های "اتحاد زنان آزادیخواه" و تفاوت آن ها با دیگر تشکلات زنان ایرانی سؤال کرد. برای او توضیح دادم که از آن جا که صدای زنان کارگر و زحمتکش ایران جز به شکلی ضعیف در خارج از کشور منعکس نمی شد، در سال ۲۰۰۷ ، تعدادی از زنان فعال در جنبش زنان به درستی به این نتیجه رسیدند که پژواک گر هر چه بیشتر این صدای انقلابی در جنبش زنان باشند و از این رو مبادرت به تشکیل "اتحاد زنان آزادیخواه" نمودند. آن ها بر این باورند که سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی اولین قدم برای رسیدن به برابری کامل زن و مرد بوده و این امر را در پلاتنوم خود قید کرده اند. آن مرد جوان ضمن تأیید حرفهای من در رابطه با رفرمیسم حاکم بر بسیاری از تشکلات زنان و حتی آن ها که خود را مارکسیست- فمینیست هم می نامند ، سؤال کرد که آیا فقط در چهارچوب جنبش زنان فعالیت میکنم؟ جالب است که وقتی به او توضیح دادم که من علاوه بر عضویت در "اتحاد زنان آزادیخواه" از فعالین چریکهای فدائی خلق هستم و به تئوری راهنمای چریکهای فدائی خلق ، یعنی تئوری مبارزه مسلحانه معتقدم و بر این باورم که بدون اعمال قهر انقلابی نمی توان با قهر ضد انقلابی جمهوری اسلامی مقابله کرده و آنرا نابود ساخت ، او با شوق گفت "من هم همین طور فکر می کنم" و توضیحاتی در این زمینه در رابطه با کشورهای آفریقائی داد.

شرکت کنندگان در راه پیمائی ، در انتهای مسیر در سالنی گرد هم آمده بودند که ما نیز به آن ها ملحق شدیم. حدود ۶۰ نفر (که اکثراً از گروه های سیاسی- اجتماعی ترک و کرد بودند و چند نفر از فعالین ایرانی نیز در میان آن ها دیده می شدند) ، در آن جا جمع شده بودند. انتظار داشتم که در آن جا نیز مانند مراسم "میز کتاب" با تعداد بیشتری از ایرانیان فعال در جنبش زنان آشنا شوم. اما متأسفانه چنین نبود.

سپس ، به مراسم دیگری در رتردام رفتیم که توسط "کانون دانشجویان ایرانی در هلند" سازماندهی شده بود. جالب بود که در آن جا صدای فردی را از پشت سر شنیدم که سراغ سخنرانان مراسم روز قبل در محل "میز کتاب" را می گرفت. وقتی با او آشنا شدم وی گفت که "دیشب دوستی از آمستردام به من تلفن زد و گفت که دیروز مراسم خیلی خوبی در محل میز کتاب داشته اید." من رفیق سارا را نیز به عنوان یکی از سخنرانان به او معرفی کردم و او مطرح کرد که "خوشحالم که سخنرانی خوبی داشته اید. می خواستم بهتان تبریک بگویم. و امیدوارم که در آینده نیز برنامه هائی در شهر رتردام هم داشته باشید." خیلی از او تشکر کردیم. او با دادن آدرس ایمیل خود به من ، از من خواست که انتشارات "اتحاد زنان آزادیخواه" را برای او بفرستم.

در رتردام چند نفر از کسانی را مجدداً ملاقات کردم که در مراسم "میز کتاب" آمستردام هم حضور داشتند. صحبت های آن ها نیز برای من نشانه ای از موفقیت مراسم روز قبل بود. آن ها گفتند که مراسم "میز کتاب" خیلی خوب بوده و دوست داشتند که از آن جا که فرصت نشده بود سؤالشان را در آن جا مطرح کنند ، در رابطه با مسائل جنبش زنان بیشتر با هم گفتگو کنیم. از این پیشنهاد آن ها خیلی خوشحال شدم و در رابطه با مسائل مختلف جنبش زنان گفتگوی طولانی با هم داشتیم. و قرار گذاشتیم که ارتباط خود را حفظ کنیم.

در این سفر هر چه بیشتر برای من ثابت شد که انسان های متعهد و انقلابی ، در هر تعداد و در هر کجای دنیا که هستند ، می توانند با استفاده از انواع شیوه ها و امکاناتی که در اختیار دارند ، نقشی (هر چند کوچک اما مسلماً

موثر) در مبارزه با رژیم ددمنش جمهوری اسلامی و افشای جنایات آن ایفاء کنند. در این راه ، اتحاد عمل میان نیرو های سیاسی مختلف می تواند بسیار مفید واقع شود. آشنا شدن با دوستان و رفقای خوب و رد و بدل کردن تجربیات حرکت های اعتراضی و مبارزاتی در خارج از کشور ، یکی از دستاوردهای با ارزش در این سفر بود. روی هم رفته، سفر ما به هلند جهت شرکت در مراسم روز زن در آمستردام و شرکت در راه پیمائی در رتردام، بسیار پربار و مفید بود و خوشحالم که در این سفر همراه با رفقایم بودم و رفقاء و دوستان جدیدی نیز پیدا کردم.

۱۰ مارچ ۲۰۱۰